



## گفت‌وگوی علمی



### امر به معروف و نهی از منکر و نسبت آن با آزادی و حقوق بشر

با حضور آیت‌الله اراکی، آیت‌الله کعبی و حجج اسلام مبلغی، بی‌ریا، راعی  
و آقایان دکتر عظیمی شوشتری و دکتر بازرگان

#### اشاره

آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از گفت‌وگوی علمی پیرامون امر به معروف و نهی از منکر و نسبت آن با آزادی و حقوق بشر است که در چند برنامه و با حضور دانشوران ارجمند آیت‌الله اراکی، آیت‌الله کعبی و حجج اسلام مبلغی، بی‌ریا، راعی و دکتر شوشتری عظیمی و دکتر بازرگان صورت گرفته است.

## آیت‌الله شیخ محسن اراکی

به نظر ما معروف و منکر در هر جامعه‌ای همان

نظام معقول

شایسته‌ها، و

بایسته‌ها از یک سو

و یا ناشایسته‌ها

از سوی دیگر در

هر جامعه است؛

هر جامعه‌ای

مجموعه‌ای از

ارزش‌ها را می‌پذیرد که این ارزش‌ها،

شایسته‌ها و بایسته‌های آن جامعه را تشکیل

می‌دهند. وقتی جامعه‌ای نظام ارزشی خاص، و

مجموعه‌ای از بایسته‌ها و شایسته‌ها را

پذیرفت، این شایسته‌ها و بایسته‌ها، معروف آن

جامعه به‌شمار می‌آید. این مجموعه به هم

پیوسته شایسته‌ها و بایسته‌ها یا ناشایسته‌ها و

نابایسته‌ها در هر جامعه‌ای، نظام معروف و

منکر یا فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهند.

در واقع، این نظام فرهنگی، هویت جامعه را

شکل می‌دهد. بنابراین، نظام امر به معروف و

نهی از منکر، اساس سایر نظام‌های اجتماعی

است.

امر به معروف و نهی از منکر نه تنها از لحاظ

عملی و اجرایی زیرساخت سایر تکالیف

اجتماعی را به وجود می‌آورد، حتی از نظر

توحید و از لحاظ نظری نیز مبنای نظری

سایر نظام‌هاست و از همین جا رابطه

امر به معروف و

نهی از منکر با

حقوق بشر معلوم

می‌شود. ما

هیچ‌گاه

نمی‌توانیم حقوق

بشری داشته

باشیم که جدای

از فرهنگ جامعه باشد؛ یعنی حقوق بشر

همان نظام معروف‌ها و منکرهاست؛

### اگر نظام معروف و منکر در یک

### جامعه و نظام معروف و منکر در

### جامعه‌ای دیگر متفاوت بود، نباید

### انتظار داشت که در هر دو جامعه،

### مجموعه واحدی از نظام حقوق

### بشر وجود داشته باشد.

بر این اساس، ارائه یک حقوق بشر برای

همه جوامع ممکن نیست؛ مگر آنکه یک

مبنا و زیرساخت واحدی در مجموعه

ارزش‌های فرهنگی یا در مجموعه نظام

معروف و منکرها تعریف کنیم.

حقوق بشر یعنی چه؟ همه حقوق

منشأیی دارند که آن منشأ حق ذاتی

است و حق ذاتی را تنها زمانی می‌توان





متعال برای انسان‌ها بر خود مفروض داشته است که اگر دیگران امر او را اطاعت کنند، او در برابرش به آنها پاداش دهد؛ این از آن نمونه حقوقی است که خدای متعال بر خود اعتبار و فرض کرده است. بنابراین، اگر از دیدگاه اسلامی همین حقوق شرع را تبیین کنیم، شامل آن دسته از حقوقی خواهد شد که خدای متعال برای بشر بر خود فرض و اعتبار کرده است.

دو نوع رابطه بین امر به معروف و نهی از منکر و حقوق بشر وجود دارد؛ یکی رابطه نظری، بدین معنا که نظام حقوق بشر در سطح تئوری از بستر مضمون‌های مربوط به معروف و منکر برمی‌خیزد؛ یعنی بر مبنای این معروف و منکرها، الزام‌هایی را تعریف می‌کنیم؛ مانند اینکه بر مبنای معروف‌ها و منکرها تعدی به دیگران ظلم است؛ در اینجا حقی برای بشر بر این مبنا شکل می‌گیرد و آن اینکه هر انسانی حق دارد در برابر تجاوز دیگران از حریم خودش دفاع کند، و این همان حق دفاع است؛ دوم از نظر عملی، که ضمانت اجرایی حقوق بشر، همین امر به معروف و نهی از منکر است؛ بنابراین، یکی از امتیازات دین اسلام و نظام اسلامی این است که تنها به تعریف حقوق اکتفا نکرده، و در کنار

تصور کرد که ما قائل به خدا باشیم؛ خدایی که دارای حق ذاتی است؛ یعنی خدایی که صفاتش صفات بالذات است؛ خالقیت و رازقیتش بالذات است؛ بر مبنای این خالقیت و رازقیت حقی دارد که آن حق، حق بالذات است؛ یعنی حقی است که دیگری به او عطا نکرده است؛ بلکه این حق از ذات او نشئت می‌گیرد و آن حق این است که موجودات و مخلوقات را که آفریده، نسبت به آنها مالک است؛ نسبت به آنها رازق است؛ آنها از او اطاعت کنند و او را بپرستند؛ این اطاعت و حضور، حق بالذاتی است که برای خدای متعال ثابت است. سایر حقوق نیز از حق اطاعت نشئت می‌گیرند؛ یعنی برگشت همه حقوق دیگر به این حق اطاعت است؛ هر جا مرز اطاعت خدا صدمه ببیند، حقی پایمال شده است.

چون مبنای همه حقوق اراده الهی است، خود خدای متعال برای بشر بر خودش حقوقی معین فرموده است، و این حقوق، حقوقی است که می‌توان از آنها در منظومه حقوق بشر یاد کرد؛ چون حقوقی است که خدا برای بشر، بر خود مفروض دانسته است. برای مثال، این حق را خدای

تعریف و تبیین مرزهای حقوق، برای آن ضمانت اجرایی نیز ارائه کرده است.

نکته دیگر این است که آیا لازم است نهی از منکر به نتیجه برسد؟ در پاسخ باید گفت همیشه چنین اقتضایی وجود ندارد؛ لازم نیست حتماً بدانیم که نهی از منکر به نتیجه می‌رسد؛ یعنی منجر به از بین رفتن منکر می‌شود؛ همین که با نهی از منکر، منکر بودن منکر را در جامعه تثبیت کنیم، بدان معناست که هویت فرهنگی جامعه را حفظ کرده‌ایم؛ حمایت از هویت فرهنگی جامعه که در واقع زیرساخت یک جامعه است، خود یک هدف است؛ زیرا تغییر نظام بایست‌ها و نابایست‌ها یا تغییر نظام شایسته‌ها و ناشایسته‌ها بسیار خطرناک است؛ وقتی هویت جامعه‌ای تغییر یا بد، آینده آن جامعه تباه خواهد شد؛ یعنی جامعه‌ای که هویت فرهنگی منحرفی پیدا کند، امکان اصلاحش منتفی خواهد بود، مگر آنکه دوباره هویت به او بازگردد.

متأسفانه برخی می‌پندارند امر به معروف و نهی از منکر موجب نقض حقوق بشر می‌شود؛ در حالی که امر به معروف و نهی از منکر نه تنها تناقض و منافاتی با حقوق بشر و آزادی‌ها ندارد،

بلکه بهترین راه تضمین‌کننده حقوق بشر در هر دو بعد فردی و اجتماعی است. افزون بر این، مبنای نظری حقوق نیز خود نظام معروف‌ها و منکرهاست.

**برخی می‌پندارند منشأ امر به معروف و نهی از منکر آزادی بیان است؛ یعنی باید آزادی بیان داشته باشند تا بتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ در حالی که این گونه نیست. منشأ آن، ولایت الهی است که خداوند به مؤمنان داده است و ریشه در بندگی خدا دارد.**

### آیت‌الله عباس کعبی

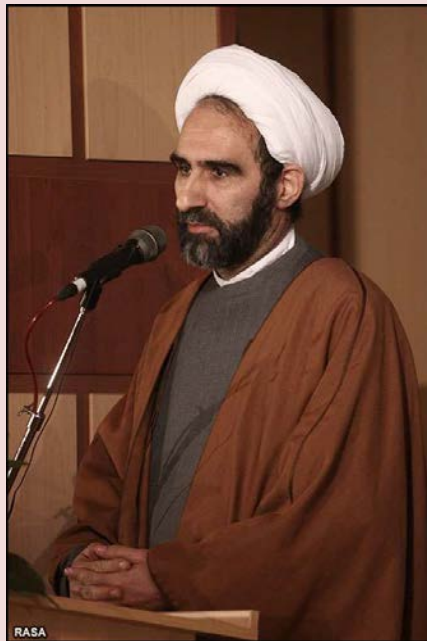
امر به معروف و نهی از منکر، همه منظومه فکری جامع اسلام در عرصه باورها،



ارزش‌ها، رفتارها، روش‌ها و ساختارها،



## حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی



اسلام برای معالجه و اصلاح جامعه دو راهکار دارد؛ یکی اصلاح از نوع ارشاد، و دیگری از نوع امر به معروف و نهی از منکر؛ اگر جامعه چنان است که امر به معروف ها و نهی از منکرها در افراد آن تأثیر نمی‌گذارد، بدان معناست که این جامعه از نظر معرفتی در جایگاه تنزل‌یافته‌ای قرار گرفته است و باید آن را از این حیث ارتقا بخشید. امر به معروف و نهی از منکر همیشه برای جاهایی است که بخشی از جامعه به قوانین و معروف‌ها

در جنبه‌های گوناگون فکری، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، مدیریتی و عرصه‌های خدماتی و عرصه‌های مختلف مربوط به نهادها، مانند نهاد خانواده، بازار، اقتصاد، دولت، رسانه، نهادهای مذهبی مثل مسجد و مناسک و اقشار گوناگون جامعه مثل زنان، مردان، جوانان، دانش‌گاہیان، حوزویان، کارمندان، کارگران و معلمان را در برمی‌گیرد. در واقع، امر به معروف و نهی از منکر ضمانت اجرای اسلام در عرصه‌های مختلف است.

برخی می‌پندارند منشأ امر به معروف و نهی از منکر آزادی بیان است؛ یعنی باید آزادی بیان داشته باشند تا بتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ در حالی که این‌گونه نیست. منشأ آن، ولایت الهی است که خداوند به مؤمنان داده است و ریشه در بندگی خدا دارد. این موضوع برخاسته از حق آزادی بیان نیست؛ بلکه نوعی شباهت‌سازی مفهومی با مبانی متفاوت است. حق آزادی بیان با ادبیات معاصر مربوط به ادبیات لیبرالیسم است. امر به معروف و نهی از منکر مربوط به منظومه نظام حقوقی اسلام است و باید در این منظومه معنا شود.



تمرکز، و امر به معروف و نهی از منکر را صرف آن کنید، این نوعی ضربه زدن به مسئله امر به معروف و نهی از منکر است؛ نکته دوم این است که این موضوع باید همگانی باشد. اگر در جامعه چند میلیونی فقط تعداد محدودی امر به معروف کنند، این بی‌تأثیر خواهد بود؛ بلکه کار باید به صورت همگانی و گروهی باشد. بنابراین، لازم است جامعه اول به شکل گروهی امر به معروف کند؛ اگر جامعه به سمتی رفت که گروهی امر به معروف نکردند، بدین معناست که خللی در نگاهشان نسبت به امر به معروف هست. پس نخست باید خود امر به معروف را برپا داشت و بعد به سمت احیا و پایداری و برپا داشتن وظایف دیگر پیش رفت.

### آیت الله اراکی:

برخی می‌پندارند امر به معروف و نهی از منکر موجب نقض حقوق بشر می‌شود؛ در حالی که امر به معروف و نهی از منکر نه تنها تناقض و منافاتی با حقوق بشر و آزادی‌ها ندارد، بلکه بهترین راه تضمین‌کننده حقوق بشر در هر دو بعد فردی و اجتماعی است.

عمل می‌کنند و برخی دیگر می‌خواهند جامعه را آلوده کنند. در این صورت، برای مواجهه با گروهی که قصد آلوده کردن جامعه را دارند، باید با سلاح امر به معروف و نهی از منکر به میدان آمد. اگر همه در حال انجام دادن یک نوع گناه هستند، امر به معروف و نهی از منکر به معنای خاصش نباید پیگیری شود؛ بلکه باید در این شرایط به معرفت‌افزایی روی آورد و از روش ارشاد استفاده کرد.

در امر به معروف و نهی از منکر باید به دو نکته توجه کنیم؛ نخست اینکه این موضوع را صرفاً روی یک موضوع خاص متمرکز نکنیم؛ زیرا در اسلام گناهان متنوعی بیان شده است که از حیث رتبه، برخی از آنها کبیره و برخی صغیره‌اند. اگر دستگاه امر به معروف و نهی از منکر را روی یک گناه خاص متمرکز، و به گناهان دیگر بی‌توجهی کنیم، هم آن گناهانی که امر به معروف نسبت به آنها انجام نمی‌گیرد، رخ می‌دهد و هم گناهی که درباره آنها امر به معروف صورت می‌گیرد؛ زیرا این یک منظومه است. برای مثال، چه بسا در جامعه ده‌ها گناه اقتصادی یا فردی و یا اجتماعی صورت گیرد؛ اما اگر فقط روی بی‌حجابی



## حجت الاسلام والمسلمین

### دکتر مسعود راعی\*

امر به معروف و نهی از منکر چه در امت‌های گذشته، چه در امت اسلامی و چه در جامعه جمهوری اسلامی، همیشه یک مسئله مهم بوده است. آیات قرآن نیز این موضوع را یادآور شده‌اند که همیشه انبیاء با این مسئله مواجه بوده‌اند.

نکته اول اینکه، بین اصول قانون اساسی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ برخی اصول بدون هرگونه پیش‌زمینه‌ای، قابلیت اجرا شدن دارند؛ اما اجرا کردن اصل هشتم قانون اساسی بدون فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر نیست. برای مثال، حقوق بشر اروپایی و گفتمان جهانی پس از حدود دویست سال فرهنگ‌سازی شکل گرفته است؟

نکته مهم این است که باید امر به معروف و نهی از منکر را از دو بعد فردی و حکومتی بررسی کرد. پرسش این است که آیا از منظر فقه حکومتی، در حوزه امر به معروف و نهی از منکر یک سند متقن علمی با قابلیت اجرایی شدن وجود دارد؟ به نظر می‌آید هنوز چنین چیزی نداریم. البته می‌توانیم اقوال فقیهان را در

کنار هم گردآوریم؛ ولی بین این اقوال و رویکرد اجرایی و عملیاتی تفاوت زیادی وجود دارد.

نکته دیگر اینکه، آیا امر به معروف و نهی از منکر بعد حاکمیتی است یا مجرای حاکمیتی؟ به نظر می‌آید ریشه این نگاه، نبود نگاه دقیق به این مسئله است؛ امر به معروف و نهی از منکر باید هم جنبه حاکمیتی داشته باشد و هم مجرای اعمال حقوق حکومتی است. یکی از شروط امر به معروف و نهی از منکر هم این است که احتمال خوف و آبرو برای خود و دیگران نداشته باشد؛ چه زمانی می‌توان این هزینه‌ها را کم کرد؟ هنگامی که فرد در پناه حاکمیت باشد و این زمانی معنا می‌یابد که این موضوع در فقه حکومتی

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مستقل نجف‌آباد.



روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی تأثیر گذاری قضاوت های دیگران در دیدگاه‌ها و رفتارهای افراد، کاملاً اثبات شده است. آنچه در امر به معروف و نهی از منکر بیش از جلوگیری از خود رفتار مهم است، حمایت از آن نرم اجتماعی برگرفته از وحی است؛ یعنی مهم این است که این



معروف، معروف و این منکر، منکر بماند. اگر کسی کار نامأنوسی انجام داد و ده نفر این خطا را به او یادآوری کنند، بی‌شک در او تأثیر خواهد گذاشت؛ زیرا فرد می‌بیند که جامعه‌پذیرای او نیست. در روایات، آخرین مصیبت ترک این موضوع، این نیست که فساد همه جا را می‌گیرد؛ بلکه آخرین خطر این است که معروف،

تبیین شده باشد، وگرنه اگر از منظر فردی بدان بنگریم، احتمالات زیادی وجود دارد و چه بسا بر اساس احتیاط این وظیفه را وانهمیم.

### حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدناصر سقایی<sup>۱</sup>

ماهیت مقوله امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی است؛ یعنی به‌منزله یک پدیده اجتماعی قابل تغییر مطرح است. برای مثال، حضرت امیر<sup>ع</sup> در نهج البلاغه می‌فرمایند: «و لا عندهم انکر من معروف و لا عندهم اعرف من المنکر»؛ یعنی گروهی هستند که چیزی نزدشان منکرتر از معروف، و معروف‌تر از منکر نیست؛ یا روایاتی که می‌فرمایند اگر شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید، به جایی می‌رسد که منکر معروف، و معروف منکر می‌شود. پس معلوم می‌شود این مفهوم با قضاوت های عمومی سروکار دارد.

نکته دیگر اینکه، امر به معروف و نهی از منکر به اسلام اختصاص ندارد؛ بلکه در همه جوامع یک‌سری ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد. در مطالعات حوزه

۱. معاون پژوهشی و استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>ع</sup>





خوب است، و در نتیجه از این هنجار دفاع می‌کنند. در هر جامعه‌ای، آن مجموعه ارزش‌ها و هنجارها و معروف‌ها و منکرها متفاوت است. یعنی چه‌بسا بر اساس دین و عقاید خودشان هنجارهایی داشته باشند. برای نمونه، ما بر اساس آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی یکسری هنجارها داریم؛ بنابراین، خیلی سخت نیست که بگوییم این با حقوق بشر منافات ندارد. چون همه جوامع این قوانین را دارند. خود قانون یکی از ارزش‌هاست. یعنی اگر کسی از قانون دفاع کند، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. پس این مسئله هیچ منافاتی با حقوق بشر دارد.

دکتر عباس علی شوشتری<sup>۲</sup>



باید مفهوم امر به معروف و نهی از منکر را فراتر از آنچه هست در نظر بگیریم؛

منکر و منکر، معروف می‌شود و این ارزش‌مندترین چیزی است که باید بدان توجه کنیم.

«امر به معروف و نهی از منکر به اسلام اختصاص ندارد؛ بلکه در همه جوامع یکسری ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد. در مطالعات حوزه روان‌شناسی، به ویژه روان‌شناسی اجتماعی، تأثیرگذاری قضاوت‌های دیگران در دیدگاه‌ها و رفتارهای افراد، کاملاً اثبات شده است. آنچه در امر به معروف و نهی از منکر بیش از جلوگیری از خود رفتار مهم است، حمایت از آن نرم اجتماعی برگرفته از وحی است؛ یعنی مهم این است که این معروف، معروف و این منکر، منکر بماند»

غربی‌ها کاملاً به تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر واقف‌اند. برای مثال، وقتی من در خارج از کشور بودم، اگر کسی مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نمی‌کرد، دیگران برای او بوق ممتد می‌زدند. پس این مسئله به مسلمانی ارتباطی ندارد. چون رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی برای جامعه‌شان

<sup>۲</sup>. معاون پژوهشی و استادیار پژوهشگاه امام صادق علیه‌السلام



و طویل تبلیغاتی، ماهواره‌ها و سایت‌ها امر به یک معروف و نهی از یک منکر می‌کنند؛ متنها معروف و منکری که مدنظر خودشان است. جالب است با وجود اینکه حقوق بشر به دنبال آن است که انسان‌ها را با یک پلورالیسم فرهنگی مواجه کند، یعنی دولت‌ها را در برابر باورهای آنها بی‌طرف اعلام کند. در گزارش سال ۲۰۱۱ سازمان حقوق بشر سازمان ملل آمده است که هدف توسعه پایدار در این است که انسان‌ها آن‌گونه زندگی کنند که خودشان می‌خواهند و باور دارند؛ یعنی بی‌طرف نسبت به همه باورها. با این وضع، در نظام ایالات متحده آمریکا، بیشترین هزینه را چه در حوزه ابزاری و چه در حوزه روشی، در گسترش آنچه که خودشان معروف یا منکر می‌دانند، به کار می‌گیرند؛ با این تفاوت که آنها معرف خودشان را با تعریفی که ما از معروف داریم، کاملاً متفاوت می‌دانند.

بدیهی است وقتی معروف و منکر متفاوت می‌شود، روش‌های معروف و منکر نیز متفاوت می‌شود. یعنی وقتی به سمت هدفی حرکت می‌کنید، خواه‌ناخواه روشی که برای رسیدن به آن هدف در نظر می‌گیرید، رنگ‌وبوی این هدف را

یعنی هر عملی را که بر تشویق افراد به انجام معروف و نهی از منکر دلالت کند، دربرمی‌گیرد؛ براین اساس، هر کسی که برای ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول

باید منظومه‌ای فکر کنیم. غرب منظومه‌ای کار کرده است؛ یعنی در غرب، فضای سیاسی و اقتصادی و اصول فرهنگی و اجتماعی‌اش همدیگر را پوشش می‌دهند و در تعارض نیستند؛ منظومه‌ای به نام لیبرال دموکراسی، در حوزه اجتماعی سکولاریسم و در عرصه اقتصاد کاپیتالیسم را ارائه داده است، و همه اینها نیز برای یک مفهوم است. بنابراین، ما نیز در حوزه امر به معروف و نهی از منکر و به تبع آن در حوزه فرهنگ، باید منظومه‌ای فکر کنیم. بدین منظور نیز ابتدا باید از پایه‌ها شروع کنیم؛ یعنی از مفهوم، اهداف، مبانی و چرایی شروع، و پس از آن چگونگی اجرایش را بررسی کنیم <<

خودش تبلیغی انجام دهد، به‌زعم خودش تبلیغی برای امر به معروف و نهی از منکر انجام داده است و به اسلام اختصاص ندارد. در حقیقت تمام دستگاه‌های عریض



منکر مورد نظر ما طراحی شده باشند؛ یعنی حتی این ساختارها را ما عاریه گرفته‌ایم. فیلم و سینما برای چیست؟ چرا سینمای ما که قرار است بیشترین تأثیر را در حوزه امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، در اختیار ما نیست و حتی قادر نیستیم این ساختار را متحول کنیم. چرا؟ آیا کافی است که به دختر خانمی بگوییم حجاب را رعایت کن، و بعد صدا و سیما ما بدترین نوع حجاب را تبلیغ کند؟ آیا می‌توانیم دوگانه عمل کنیم؛ در حوزه عمل به یک شکل برخورد کنیم و در حوزه ساختاری به شکلی دیگر. مقام معظم رهبری می‌فرمایند باید منظومه‌ای فکر کنیم. غرب منظومه‌ای کار کرده است؛ یعنی در غرب، فضای سیاسی و اقتصادی و اصول فرهنگی و اجتماعی اش همدیگر را پوشش می‌دهند و در تعارض نیستند؛ منظومه‌ای به نام لیبرال دموکراسی، در حوزه اجتماعی سکولاریسم و در عرصه اقتصاد کاپیتالیسم را ارائه داده است، و همه اینها نیز برای یک مفهوم است. بنابراین، ما نیز در حوزه امر به معروف و نهی از منکر و به تبع آن در حوزه فرهنگ، باید منظومه‌ای فکر کنیم. بدین منظور نیز

پیدا می‌کند؛ یعنی نمی‌توان گفت روش‌ها بی‌طرف هستند و هدف تأثیری در روش ندارد؛ حتی ساختارها هم متفاوت می‌شوند.

**به نظر من اولین مشکل ما در حوزه امر به معروف و نهی از منکر این است که نگرش مردم و نیز مسئولان نسبت به امر به معروف و نهی از منکر یک نگرش مثبت نیست؛ یعنی یا نگرشی ندارند یا منفی است یا آسیب دیده است. اگر بخواهیم در مورد پدیده‌ای فرهنگ سازی کنیم، لاجرم باید نگرش‌ها را نسبت به آن مسئله تغییر دهیم**

اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر یک مسئله کلان است و هر دعوتی را در برمی‌گیرد، پس وزارت ارشاد، صدا و سیما، دفتر تبلیغات اسلامی و... نیز یک سازمان امر به معروف و نهی از منکر هستند؛ اما ساختار آنها به گونه‌ای است که با مفاهیم و اصول و مبانی امر به معروف و نهی از منکر سازگار نیست؟ این بدان دلیل است که این ویژگی ساختاری که نظام جمهوری اسلامی آن را به کار گرفته است، چیزی نیست که برای معروف و

ابتدا باید از پایه‌ها شروع کنیم؛ یعنی از مفهوم، اهداف، مبانی و چرایی شروع، و پس از آن چگونگی اجرایش را بررسی کنیم؛ اما اگر بخواهیم به شکل پراکنده و مجزا کاری انجام دهیم، به نتیجه نخواهیم رسید؛ باید کارهای بنیادی مورد نظر مقام معظم رهبری را با عنوان تحول در علوم انسانی آغاز کنیم که یکی از مواردش همین موضوع است.

### دکتر رضا بازرگان\*

یکی از مسائلی که موضوع امر به معروف و نهی از منکر را در طی سی سال گذشته تهدید کرده، بحث نگرش است. غربی‌ها



واژه‌ای به نام Attitude به معنای نگرش دارند که در هجابندی نیز وقتی جمع این حروف را می‌بندید، صد می‌شود. هیچ کلمه‌ای در زبان انگلیسی این ویژگی را

ندارد و می‌گویند جادو است. آنها بر این باورند که تا مادامی که نگرش افراد یک جامعه را تغییر ندهید، نمی‌توانید کاری انجام دهید. به نظر من اولین مشکل ما در حوزه امر به معروف و نهی از منکر این است که نگرش مردم و نیز مسئولان نسبت به امر به معروف و نهی از منکر یک نگرش مثبت نیست؛ یعنی یا نگرشی ندارند یا منفی است یا آسیب دیده است. اگر بخواهیم در مورد پدیده‌ای فرهنگ سازی کنیم، لاجرم باید نگرش‌ها را نسبت به آن مسئله تغییر دهیم.

نکته دیگر اینکه، یکی از موضوع‌هایی که غربی‌ها در آن موفق بودند این است که به شدت پدیده‌ها را عقلایی می‌کنند. غربی‌ها در حوزه‌های فرهنگی به شدت به دنبال عقلایی کردن مسائل هستند. یعنی مسائل را آن‌طور که هست ببینند، نه آن‌گونه که باید باشند؛ اما امروزه موضوعی مانند حجاب را با دلسکوت در دانشگاه خود سامان می‌دهند. رئیس دانشگاه پنسیلوانیا می‌گوید من بیست هزار دانشجو دارم. اگر دانشجویی را دیدید که برخلاف دلسکوت پوششی داشت، من کارم را رها خواهم کرد.

\* مدرس حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدیر فرهنگی و اجتماعی ستاد امر به معروف و نهی از منکر.



پنجره از آفتاب استفاده می‌کنند. پیرمرد یا پیرزنی که کنار پنجره آفتاب می‌گیرد، بیکار نیست؛ بلکه تلفن همراه و بی‌سیم همراهش دارد. دولت به او گفته است آن چیزی را که می‌بینی به من گزارش کن و نیازی نیست در کار دیگران تجسس کنیدی؛ من خودم برخورد می‌کنم؛ یعنی به راحتی موضوعی به نام امر به معروف و نهی از منکر را که حدود بیش از سی سال نتوانسته‌ایم به شکل شایسته انجام

دهیم، آنها به شکل عقلایی ارائه داده‌اند و جامعه نیز پذیرفته است. یکی از مشکلات ما در طی این سال‌ها این بوده است که قانون‌گذار احساس می‌کرده است که چه بسا این قانون با بقیه اصول در تباین، تنافر و تزاخم باشد.

غربی‌ها در این نوع مسائل کارها را عقلایی می‌کنند، نه عقلانی، و به همین خاطر هم پیش می‌روند. در کشور ما شورای نگهبان یک نظارت پیشینی‌ای را در انتخابات اعمال می‌کند. به همین علت برخی کژاندیشان اعتراض‌هایی می‌کنند؛

پرسش من این است که کدام یک از رؤسای دانشگاه‌های ما می‌توانند چنین ادعای بکنند؛ این فرد پدیده‌ای به نام لباس مشخص برای مکان مشخص را کاملاً عقلایی کرده است؛ حتی موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیز در آنجا وجود دارد؛ البته بدون صبغه الهی و به شکل social و تحت قراردادهای اجتماعی؛ بدین معنا که پدیده امر و نهی را کاملاً عقلایی کرده است. امروز در

جوامع اروپایی مردم به راحتی به یکدیگر تذکر می‌دهند؛ می‌گویند باید خودکنترلی و دگرکنترلی داشته، و مسئولیت‌پذیر باشیم؛ این یعنی چشم عمومی (Public Eye)؛ حکومت به مردم گفته است که شما چشم عمومی هستید.

در برخی از کشورهای اروپای شمالی که فقر آفتاب و به همین دلیل، کمبود برخی ویتامین‌ها وجود دارد، آنها به محض اینکه آفتاب می‌آید، بیرون می‌آیند و از این موهبت استفاده می‌کنند؛ افرادی که سن‌شان بیشتر است، از همان لب

**چرا ما در امر به معروف و نهی از منکر جواب نمی‌گیریم؟ چون تکریم در کار نیست. به قول دوستان صاف در پيشانی طرف می‌رویم! و این درست نیست. ما می‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر خوب آن است که دارای چند «تاء» باشد: تکریم، تذکر، تأثیر، تأثر، تکرار، تشکر.**

»»»



اما جالب است بدانید که در فرانسه شورای قانون اساسی فرانسه در انتخابات و نمایندگان، هم نظارت پیشینی دارد و هم نظارت پسینی؛ یعنی این‌گونه نیست که یک نماینده بعد از رد صلاحیت شدن

**... قبل از امر و نهی، باید خود را به ادب و اخلاق مزین کنیم. چقدر در مدارس ما در مورد ادب و اخلاق صحبت می‌شود؟ آیا آ‌م‌ری که ادب ندارد، امر به معروفش به دل می‌نشیند**

◀◀

چهار سال رها با شد. در قانون اساسی فرانسه تعبیه شده است که شورای قانون اساسی فرانسه علاوه بر اینکه نظارت پیشینی دارد، نظارت پسینی هم دارد؛ یعنی با این عقلایی کردن، خیلی از کارها را نسبت به ما انقباضی‌تر انجام می‌دهند؛ اما یک پذیرش عمومی دارد.

نکته بعدی اینکه، ترسی وجود دارد که می‌پندارند امر به معروف و نهی از منکر ورود به حوزه خصوصی است. این موضوع بسیار جدی است؛ یعنی اگر دو آ‌ی‌تم را از امر به معروف و نهی از منکر حذف کنیم، ورود به حوزه خصوصی می‌شود. آن دو عنصر همان است که امام

موسی بن جعفر علیه السلام در مورد بشر حافی اجرا کردند و به حوزه خصوصی هم ورود نکردند؛ یکی بحث محبت است که می‌گویند فلسفه امر به معروف و نهی از منکر محبت است و به تعبیر حضرت امام رحمت رحیمیه است. آیا کسی در مقابل محبت می‌تواند موضع بگیرد؟ دوم نیز عنصر تکریم است. همین دو عنصری که امام علیه السلام به آن توسل و تمسک جستند، و وارد حریم خصوصی نیز نشدند؛ در حالی که در معنای ظاهر، واقعاً ورود به حوزه خصوصی بود؛ اما چون دو مؤلفه محبت و عشق و تکریم را داشت، چنین تلقی‌ای را به وجود نیاورد.

چرا ما در امر به معروف و نهی از منکر جواب نمی‌گیریم؟ چون تکریم در کار نیست. به قول دوستان صاف در پیشانی طرف می‌رویم! و این درست نیست. ما می‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر خوب آن است که دارای چند «تاء» باشد: تکریم، تذکر، تأثیر، تأثر، تکرار، تشکر. اگر امر به معروف و نهی از منکر این شش مؤلفه را داشته باشد، به یقین مفید خواهد بود. امروزه حدود هشت تا نه میلیون پرونده قضایی داریم؛ وقتی آنها را بررسی می‌کنیم درمی‌یابیم که علت اصلی



یکی از مهم‌ترین نقص‌های ما در این عرصه این است که طی سی سال گذشته،



امربه‌معروف و نهی از منکر را با عنصر هنر عجین نکردیم. کسی که می‌خواهد

**یکی از مهم‌ترین**  
**نقص‌های ما در این عرصه**  
**این است که طی سی سال**  
**گذشته، امر به‌معروف و نهی**  
**از منکر را با عنصر هنر**  
**عجین نکردیم. کسی که**  
**می‌خواهد چیزی را تبلیغ**  
**کند، باید چهار «عین» را**  
**در نظر بگیرد: عشق، عقل،**  
**علم، عارف به ذات مخاطب**

چیزی را تبلیغ کند، باید چهار «عین» را در نظر بگیرد: عشق، عقل، علم، عارف به ذات مخاطب. به نظر من مورد چهارم خیلی مهم است. سیسه‌روم می‌گوید اگر می‌خواهید برای خودت دشمن بسازی،

آن این است که ما با هنر ارتباط کلامی آشنا نیستیم؛ زن و شوهر نمی‌توانند با هم ارتباط کلامی برقرار سازند؛ دانشجوی ما نمی‌داند با استاد چگونه صحبت کند.

نکته دیگر این است که جامعه به‌طور کلی نسبت به امر و نهی بازتاب منفی نشان می‌دهد. گوستاولوبون می‌گوید اگر از من بپرسند چرا امروزه غرب مایه مباحات و رشک دیگر کشورها شده است، پاسخ یک کلمه، و آن انتقاد است؛ اولاً هر چه از قرون وسطی فاصله گرفتیم و به سمت قرون جدید و کلاسیک آمدیم، انتقادها عریان‌تر شد، و ثانیاً هیئت حاکمه از این انتقادها استقبال کرد. خیلی جالب است که کسی مانند گوستاولوبون می‌گوید علت العمل پیشرفت مادی غرب در یک کلمه به نام انتقاد نهفته است؛ همان چیزی که ما به آن می‌گوییم تأثیر و تأثر. امروز چقدر جامعه تأثر دارد و پذیرنده نقد است؟ چقدر روی این موضوع کار کرده‌ایم؟ امروز جامعه ما آشفته می‌شود و نمی‌پذیرد. به نظر من، مدرسه و دانشگاه ما باید روی این موضوع خوب کار کنند؛ زیرا به نظر می‌آید آستانه تحمل جامعه پایین است.





بشنوند. به نظر می‌آید باید واقع‌بینانه‌تر به این قضیه نگاه کرد. نظام باید یک نظام پاسخگو باشد. ما نمی‌توانیم امر به معروف و نهی از منکر را در یک حکومت شیشه‌ای اجرا کنیم. چرا الگاریتم حرکت اباعبدالله علیه السلام برای قیام، امر به معروف و نهی از منکر بود؟ بدین خاطر که حکومت به هیچ قانونی، اعم از وضعی و فطری پایبند نبود.

نکته آخر که بر آن تأکید دارم این است که قبل از امر و نهی، باید خود را به ادب و اخلاق مزین کنیم. چقدر در مدارس ما در مورد ادب و اخلاق صحبت می‌شود؟ آیا آمری که ادب ندارد، امر به معروفش به دل می‌نشیند؟ به نظر من، علت اصلی اینکه امر به معروف و نهی از منکر اثر ندارد، این است که با ادب عجین نیست.

به کسی سیلی زن، فقط به یک کسی بگو تو نمی‌فهمی، در این صورت دشمن خوبی برایت خواهد شد. کاری که ممکن است در امر به معروف و نهی از منکر ما با جوانان کرده باشیم، این است که امر یا ناهی به مأمور به و منهی‌عنه این را تلقین می‌کند که شما نمی‌فهمید و من در یک موضع تفرعن و بالاتری هستم.

مسئله بعدی این است که در جامعه‌ای که قانون نباشد، به طریق اولی امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود. در جامعه‌ای که مسئولان به نهادهای قانونی بی‌توجهی می‌کنند، آیا انتظار دارید امر به معروف و نهی از منکر نهادینه شود. وقتی مسئولی نسبت به اهرم‌های تکلیفی - تنبیهی و تشویقی قانون تمکین نمی‌کند، آیا توقع دارید مردم از یک جوان امر به معروف و نهی از منکر